

فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی - پژوهشی

سال چهارم - شماره اول - بهار ۱۳۹۰ - شماره پیاپی ۱۱

بررسی ساختارهای مختلف تشبیه در مثنوی معنوی

(ص ۳۵۲ - ۳۳۹)

میترا گلچین^۱

تاریخ دریافت مقاله: ۸۹/۸/۴

تاریخ پذیرش قطعی: ۸۹/۱۲/۴

چکیده:

مقاله حاضر به بررسی تشبیه و طبقه‌بندی انواع ساختار آن در مثنوی مولانا میپردازد. تشبیه علاوه بر اینکه از موضوعات محوری و مهم حوزه علم بلاغت و بیان محسوب میشود، بررسی و تحلیل ساختار متنوع و متعدد و عناصر تشکیل دهنده آنچه از نظر شکل و چه از جهت محتوا میتواند مبین و معرف سبک و زبان خاص یک شاعر باشد. از اینرو، از جنبه سبک‌شناختی نیز از اهمیت بسیار برخوردار است.

از آنجاکه سبک بکار رفته در مثنوی مولانا سبک تعلیمی (didactic) است، از ابزار تشبیه و تمثیل در آموزش و انتقال مفاهیم و پیامهای مختلف شاعر به مخاطب بسیار استفاده شده است. نکته مهم دیگر آنکه مقایسه بسامد اشکال مختلف تشبیه در مثنوی، نشان‌دهنده آن است که مولانا بیشتر از چه ساختارها و عناصری در سبک تعلیمی برای ادای مقاصد خویش سود جسته است.

کلمات کلیدی:

تشبیه، ساختار، سبک، مثنوی، مولانا.

۱ - عضو هیأت علمی گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران mgolchin@ut.ac.ir

مقدمه :

تشبیه برقرار کردن همانندی میان دو چیز کاملاً متفاوت و متمایز از یکدیگر است؛ از راه استعمال خصوصیت یا خصوصیتی که میان آن دو مشترک است و وجه یا وجوه تشابهی که میان آنها وجود دارد. هدف از ایجاد این رابطه، کشف حقیقت و شناخت چیزی است از راه چیز دیگری که وجودش برای ذهن روشنتر و ملموستر می‌باشد و بدیهیست که همواره کشف مجهول از رهگذر استفاده از معلوم برای انسان، لذتی معنوی بدنبال می‌آورد. در این باره ارسطو در کتاب فن شعر گفته است: «مشاهده تصاویری که شبیه اصل باشند موجب خوشایندی میشود؛ زیرا ما از مشاهده این تصاویر، اطلاع و معرفت به احوال اصل آن صورتها پیدا میکنیم و آنچه را در آن صورتها بدان دلالت هست درمی‌یابیم، مثل اینکه گوییم این تصویر صورت فلانست و اگر خود موضوع تصویر را پیش از آن هم هرگز ندیده باشیم باز آن صورت نه از آن جهت که موضوع خود را تقلید میکند؛ بلکه از آن لحاظ که در آن کمال صنعت بکار رفته و یا از آن جهت که دارای رنگ دلپذیر هست و یا از جهاتی نظیر و مشابه اینها سبب خوشایندی خاطر ما میشود.» (ارسطو، ۱۳۶۹: ۲۶) (۱)

لازم بذکرست نمونه‌ها و درصدهای ذکر شده در این مقاله، از دفتر اول و دوم مثنوی انتخاب شده است.

ساختار مختلف تشبیه در مثنوی مولانا

۱- تقسیم تشبیه بر حسب فشردگی یا گسترده‌گی ساختار آن: در این تقسیم‌بندی کوتاهترین شکل و ساختار تشبیه، یعنی اضافه تشبیهی را «تشبیه فشرده» و هر تشبیه دیگری که بیرون از محدوده این ساختار قرار گیرد، «تشبیه گسترده» نامیده‌ایم. تشبیه فشرده در استعمال مولانا گاه مصداق تشبیه مجمل است که وجه شبه در آن حذف میگردد، مانند:

۱۰/۱- آتش عشقست کاندن نی فتاد

که وجه شبه آتش و عشق، سوز و گداز و اثربخشی است که در آتش محسوس است و در عشق، معقول. مثالهای دیگر، زرادخانه اولیا، که وجه شبه، ساختن و تولید چیزهای ارزنده و گرانها است:

۷۱۶/۱- تیغ در زرادخانه اولیاست.

وجود اولیا، مربی جانهای متصف به معنویات و حالات روحانی است، همانگونه که در زرادخانه تیغها و سلاحهای مؤثر و کاری ساخته میشود.

یا رسنهای سببها:

۸۴۹/۱- این رسنهای سببها در جهان هان و هان زین چرخ سرگردان مدان

که وجه شبه رسن یا ریسمان و سبب یا علت این است که هردو وسیله رسیدن بمقصود هستند. یا بوجهل تن:

۷۸۲/۱- ای برادر وارّه از بوجهل تن

که وجه شبه، تن و بوجهل، گرایش به تمایلات نفسانی و کفر و عصیان در برابر امر حق است. البته حذف وجه شبه در تشبیهات فشرده مثنوی تابع قاعده ثابتی نیست و گاه نیز وجه شبه ذکر میگردد هرچند که غلبه با نوع اول است. مثال برای ذکر وجه شبه در تشبیه فشرده:

۶۱/۱ - اندرآمد بحر بخشایش به جوش

به جوش آمدن یا فوران کردن و زیاده شدن، وجه شبه بخشایش و آب دریا است. یا:

۵۰۶/۱ - چند باران عطا باران شده

باران شدن یا کثرت و فراوانی وجه شبه عطا و باران است که ذکر شده است.

اما در تشبیهات فشرده همیشه ادات تشبیه محذوف است و از این جهت مصداق تشبیه مؤکد یا مضمرالادات میباشد، مانند مثالهایی که ذکر گردید.

به هر حال تشبیه فشرده به جهت کوتاهی و فشردگی ساختار و حذف وجه شبه و ادات تشبیه در آن از بلاغت و تأثیر بیشتری نسبت به تشبیه گسترده برخوردار است. از اینرو به این ساختار تشبیه بلیغ گفته میشود؛ چرا که همواره ذهن شنونده و مخاطبش را برای دست یافتن به رابطه طرفین تشبیه یا وجه شبه آن دو به جستجو و کوشش وامیدارد و قدرت تخیل او را در این جهت فعال مینماید. (میرصادقی، ۱۳۷۳: ۶۹-۸۳)

نکته دیگری که در مقایسه ساختار تشبیه فشرده و گسترده بنظر میرسد اینست که در تشبیهات فشرده به جهت کوتاهی ساختار نحوی، مشبه و مشبه به هردو یک نقش ایفا میکنند، به تعبیر دیگر، نقش نحوی طرفین تشبیه در اضافه تشبیهی یکی میگردد درحالیکه در تشبیه گسترده هریک از مشبه و مشبه به نقش نحوی جداگانه ای بر عهده دارند. مثلاً:

۶۱/۱- اندر آمد بحر بخشایش به جوش

یا :

۵۰۶/۱- چند باران عطا باران شده

بحر بخشایش و باران عطا که در یکی بخشایش و بحر و در دیگری عطا و باران هر دو نقش نحوی واحدی دارند و فاعل جمله هستند؛ اما در ابیات:

۹/۱- آتش است این بانگ نای و نیست باد

۷۳۸/۱- نام احمد چون حصاری شد حصین

بانگ نای و نام احمد که مشبه هستند، مسندعلیه و آتش و حصاری حصین که مشبه به این دو تشبیه هستند مسند جمله میباشند و همانگونه که ذکر شد هر یک نقش نحوی مستقلی دارند.

۲- تقسیم تشبیهات بر حسب حسی یا عقلی بودن طرفین تشبیه: حسی بودن یعنی قابل درک و دریافت بودن با حواس پنجگانه ظاهر و عقلی بودن به معنای مطلق غیر حسی است.

در کتاب *معالم البلاغه* آمده است که تشبیه عقلی سه دسته وهمیات، وجدانیات و عقلیات صرف را نیز دربرمیگیرد. در توضیح این موارد میخوانیم: «مراد از وهمی در این مقام چیزی است که نه خودش و نه تمام موادش در خارج موجود باشد لیکن بنحوی باشد که اگر اجزایش به تمامی موجود شود خود آن هم محسوس گردد؛ مانند پر و بال سیمرغ و صدای گول، اما وجدانیات اموری هستند که به قوای باطنه ادراک شوند مانند لذت، الم، سیری، گرسنگی، تشنگی، اما عقلیات صرفه عبارتند از: معانی کلی که مدرك آنها عقل است بالاستقلال؛ یعنی عقل آنها را بدون واسطه قوای نفسانی ادراک میکند مانند حقیقت انسان، حقیقت نور...» (رجایی، ۱۳۷۲: ۲۴۴، ۲۴۵، ۲۴۶)

با در نظر گرفتن حسی یا عقلی بودن مشبه یا مشبه‌به، چهار نوع تشبیه خواهیم داشت، در اینجا این چهار قسم را بر مبنای درصد بسامد هر یک از آنها به ترتیب ذکر میکنیم.

۱- معقول به محسوس: در این نوع که مشبه معقول و مشبه‌به محسوس است، غالباً مولانا کوشیده است تا امری معقول اعم از حالت عاطفی، خوی و خصلت اخلاقی، مفهومی معقول یا امور مربوط به عالم غیب و مجردات را از راه مانند کردن آن به امر محسوسی که از جهت یا جهاتی مشابه آن امر معقول است به ذهن شنونده و فهم و ادراک او نزدیک نماید، او خود در بیان فلسفه استفاده از تشبیه و تمثیل گفته است:

گرچه آن معنی است وین نقش ای پسر تا به فهم تو کند نزدیکتر
(مولوی، ۱۳۶۹: ۱۷۵ و زمانی، ۱۳۷۲-۷۸: ۷۵۷)

و در جای دیگر می گوید:

گوهر معقول را محسوس کرد پیر بینا بهر کم عقلی مرد
(زمانی، ۱۳۷۲-۷۸: بیت ۳۵۷۰)

یکی از جنبه‌های هنری تشبیه که شاید بزرگترین و برجسته‌ترین جنبه باشد، همین پیوند دادن معقولات به محسوسات است. کروچه می‌گوید: «گفته‌اند که تصور آنگاه جنبه هنری پیدا میکند که معقولی را به محسوسی پیوند دهد.» (کروچه، ۱۳۴۴: ۷۹)

در این باره در صور خیال می‌خوانیم: «از همه مهمتر جنبه تخیلی تصویری تشبیه است که از رهگذر تشبیه میتوان بسیاری از امور متباین و متضاد را که از نظر حس و تجربه عقلی دور از یکدیگر قرار دارند، در یک موضوع جمع کرد و حاصل آن به گفته عبدالقاهر جرجانی این است که خواننده دو چیز همانند و متباین، دو چیز مؤتلف و مختلف را احساس کند ... تشبیه چیزی است که میان دو امر متباین وحدت برقرار میکند.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۵: ۷۲-۷۳)

مثال برای تشبیه معقول به محسوس از مثنوی، ۵۷/۱ غرقاب فنا، ۴۲۱/۱- ترکش عمر

- چون به خویش آمد ز غرقاب فنا

- ترکش عمرش تهی شد عمر رفت

مثالهای دیگر، ۱۶۸/۲ دریای جود، ۱۵۹۶/۲- برگ روح :

- پیر ایشانند کین عالم نبود جان ایشان بود در دریای جود

- چونکه برگ روح خود زرد و سیاه می بینی چون ندانی چشم شاه

نکته قابل ذکر درباره این نوع تشبیه در مثنوی این است که تشبیه معقول به محسوس نسبت به سه دسته تشبیه دیگر که ملاک تقسیم‌بندی آنها حسی یا عقلی بودن طرفین تشبیه است، بیشترین بسامد را داراست.

۲- محسوس به محسوس: در این نوع تشبیه، مشبه و مشبه‌به، هر دو با یکی از حواس ظاهر قابل درک و دریافتند. هدف از این تشبیه آن است که نقش مشبه، بوسیله مشبه‌بھی که در وجه‌شبه مورد نظر شاعر اوضح و اعرف از مشبه است، به خواننده یا مخاطب شناسانده شود. مثال از مثنوی:

۱۱۸/۱ - سایه خواب آرد ترا همچون سمر

در اینجا سمر که مشبه‌به است در ایجاد بی‌خبری و غفلت در انسان که وجه شبه است از سایه که مشبه است بگونه‌ای روشنتر و صریحتر ادای مقصود میکند. مثال دیگر:

۷۹۳/۱ - من جهان را چون‌رحم دیدم کنون چون در این آتش بدیدم این سکون
در مصراع اول، جهان حس به رحم تشبیه شده و رحم در تنگی و محدود بودن گویاتر از جهان میباشد. از اینرو خواننده از کوچکی و محدودیت آن به کوچکی و محدودیت جهان حس و ماده پی میبرد.

۳- محسوس به معقول: در این تشبیه، مشبه، محسوس و مشبه‌به معقول است، در این نوع تشبیه، مشبه‌به معقول، وجه‌شبه و مقصود مورد نظر شاعر را صریحتر و روشنتر از مشبه که حسی است بیان مینماید، علاوه بر این بنظر میرسد که در اینگونه موارد، هدف شاعر از مانند کردن یک امر حسی به امری عقلی نوعی ارتقا بخشیدن به شأن و مرتبه آن امر محسوس است، چرا که در خصوصیت مورد نظر او، آن محسوس با آن معقول رقابت میکند و گاه نیز ممکن است که مشبه‌به عقلی برای مشبه حسی نوعی اغراق در بیان مقصود را به‌مراه داشته باشد. مثال اول:

۱۹۳۰/۱ - هین که اسرافیل وقتند اولیا مرده را زی‌شان حیاتست و حیا
میرسید از دور مانند هلال نیست بود و هست بر شکل خیال
در مصراع دوم تشبیه پیر به خیال با نوعی اغراق در بیان شدت نحیفی و به چشم نیامدن پیر همراه است. در مثال اول وجود اولیا از جهت اهمیتی که در تجدید حیات روحانی انسانها دارند به اسرافیل مانند شده است که خود سبب و نشانه حیات نو است.

۴- معقول به معقول: در این نوع تشبیه مشبه و مشبه‌به هر دو عقلی هستند. مثال:

۷۰/۱ - نیست وش باشد خیال اندر روان

درین مثال مشبه‌به یعنی نیستی، وجه‌شبه و مقصود شاعر را که پنهان بودن و محسوس نبودن به حس ظاهر است بهتر تداعی میکند و ذهن با در نظر گرفتن این خصوصیت نیستی از راه پیوند مشبه و مشبه‌به آن را برای خیال، که مشبه است نیز اثبات مینماید.

از مقایسه این چهار نوع تشبیه در حوزه حسی یا عقلی بودن تشبیه نتیجه میگیریم که تشبیه معقول به محسوس بیشترین و معقول به معقول کمترین بسامد را در میان کل تشبیهات دو دفتر مثنوی (۷۰۸ مورد) داشته است.

تقسیم تشبیهات بر حسب نوع مشبه و مشبه به آنها:

جدول شماره ۳ شامل ۵ ردیف میباشد که به ترتیب از این قرار است:

۱- تشبیهاتی که مشبه یا مشبه به آنها کلمه یا بخشی از یک آیه قرآن است: مانند تقوی القلوب:

۳۷۰۶/۱- کو نهد گلگونه از تقوی القلوب

که مشبه بخشی از آیه قرآن است، یا طیور الصافات در:

۳۵۶۳/۲- برپریم همچون طیور الصافات

۲- تشبیهاتی که مشبه یا مشبه به آنها یک اصطلاح عرفانی است: مانند رایب عین الیقین در ۳۴۹۳/۱ که مشبه عین الیقین، اصطلاح عرفانی است یا رجا و خوف در ۳۲۱۷/۲ که مشبه به واقع شده است:

۳۲۱۶/۲- شیخ واقف گشت از اندیشه اش شیخ چون شیر است و دلها بیشه اش

۳۲۱۷/۲- چون رجا و خوف در دلها روان نیست پنهان بر وی اسرار جهان

۳- تشبیهاتی که مشبه به آنها تکراری است: مانند باغ دل که دو بار در ۱۸۹۷/۱ و ۲۰۵۹/۱ تکرار شده است. گاه تشبیه تکراری است با الفاظ متفاوت مانند شمس جان ۱۱۹/۱ خورشید جان ۱۰۲۶/۱. تعداد این تشبیهات در دو دفتر ۳۰ درصد و بسامد این نوع تشبیه در کل تشبیهات دو دفتر ۲۴.۴ درصد است.

۴- تشبیهاتی که دارای مشبه به متعدد هستند، یعنی یک مشبه با چندین مشبه به: مانند حلم، که چهار بار به چهار چیز مختلف تشبیه شده است، آب ۸۵۲/۱ تیغ ۳۷۴۶/۱ آفتاب ۳۷۶۳/۱ سپر ۲۴۹۱/۲ در این موارد مولانا بر حسب وجه شبهی که میان مشبه و مشبه به در نظر گرفته و مقصود و پیامی که قصد ابلاغ آن را به مخاطب دارد مشبه به یک مشبه را بمقتضای حال و سخن تغییر میدهد.

۸۵۲/۱ - آب حلم و آتش خشم ای پسر هم ز حق بینی چو بگشایی بصر

۳۷۴۶/۱- تیغ حلمت جان ما را چاک کرد

که در آب حلم، لطافت و ملایمت حلم مراد است؛ از آن جهت که در تقابل با خشم مطرح شده و در تیغ حلم، کارایی و تأثیر و نفوذ معنوی حلم در جان انسان مورد نظر بوده است. همانگونه که اشاره شد ذکر مشبیه‌های متعدد برای یک مشبه نمایانگر قدرت و تسلط مولانا در سخنوری و رعایت بلاغت در سخن است.

۵- سایر تشبیهات که خارج از محدوده چهار مورد ذکر شده هستند: تعداد آنها ۵۶۰ تشبیه است و این رقم از تفاضل مجموع ۴ مورد ذکر شده از کل تشبیهات که ۷۰۸ موردست حاصل شده و بسامد آنها ۹/۷۹ درصد میباشد.

۴- تقسیم تشبیهات بر مبنای عناصر بکار رفته در مشبیه آنها: بر این اساس تشبیهات به نه دسته تقسیم شده‌اند:

- ۱- پدیده‌های طبیعی،
- ۲- مصنوعات انسان،
- ۳- انسان، متعلقات و ملزومات احوال او،
- ۴- حیوانات و متعلقات آنها،
- ۵- بنا و متعلقات بنا،
- ۶- امور عقلی - وهمی،
- ۷- عناصر دینی و اساطیری،
- ۸- عناصر فرهنگی و اساطیری،
- ۹- شخصیت‌های دینی و تاریخی.

تنوع عناصر بکار رفته در مشبیه تشبیهات، نشانگر وسعت قلمرو اطلاع و معرفت شاعر در زمینه‌های مختلف است. با توجه به بسامد هریک از این عناصر میتوان گفت که مولانا به ترتیب از چه عنصری بیشتر و از کدام عنصر کمتر سود جست است. از مقایسه این نه دسته چنین برمی‌آید که پدیده‌های طبیعی بیشترین بسامد و شخصیت‌های دینی و تاریخی کمترین بسامد یعنی از مجموع ۳۷۱ تشبیه را به خود اختصاص داده‌اند. (برای مشاهده بسامد سایر عناصر به جدول شماره ۶ رجوع شود).

در پایان این مطلب ذکر چند نکته لازم بنظر میرسد. در شمارش تشبیهات فشرده و گسترده یک تشبیهات موجود در هر بیت در نظر گرفته شده است. ترتیب رعایت شده در این مقاله بر مبنای شماره ابیات میباشد، در هر تشبیه نوع آن از نظر عقلی یا حسی بودن ذکر

شده و مشبه و مشبه‌به و وجه شبه آن توضیح داده شده است، در تشبیهاتی که مشبه، به حق تعالی باز می‌گردد، به ذکر عقلی یا حسی بودن طرفین تشبیه اکتفا شد. برای تشبیهات فشرده و گسترده جدول مربوط به این بخش، یعنی جدول شماره ۱ تهیه شده است. جدول شماره ۲ مربوط به تقسیم‌بندی تشبیهات برحسب حسی یا عقلی بودن طرفین تشبیه، تشبیهات با مشبه یا مشبه‌به قرآنی و عرفانی با ذکر موارد و تشبیهات تکراری که در این بخش هر تشبیه با شماره ابیاتی که در آن تکرار شده است ذکر میشود. تشبیهاتی با مشبه‌به متعدد، در این بخش در هر مورد ابتدا مشبه در بالا نوشته شده سپس در زیر آن هریک از مشبه‌به‌ها با شماره بیت مربوط به خود، ذکر میشود، جدول شماره ۳، ۴، ۵، در بخش تقسیم تشبیهات بر مبنای عناصر مشبه‌به، به ترتیب بسامد عناصر ذکر خواهند شد. بدینگونه که پس از نام هر عنصر شماره ابیاتی که در آنها بکار رفته است خواهد آمد، سرانجام جدول شماره ۶ پایان بخش این مقاله خواهد بود.

جدول ۱: تقسیم تشبیهات بر حسب فشرده‌گی و گسترده‌گی آنها

جمع	دفتر دوم	دفتر اول	تقسیم تشبیه‌ها	
			تعداد	تشبیهات فشرده
۲۷۸	۱۳۶	۱۴۲	تعداد	تشبیهات فشرده
۱۰۰	۴۸/۹۲	۵۱/۰۸	درصد سطری	
	۳۶/۶۶	۴۲/۱۴	درصد ستونی	
۳۹/۲۷	۱۹/۲۱	۲۰/۰۶	درصد کل	
۴۳۰	۲۳۵	۱۹۵	تعداد	تشبیهات گسترده
۱۰۰	۵۴/۶۵	۴۵/۳۵	درصد سطری	
	۶۳/۳۴	۵۷/۸۶	درصد ستونی	
۶۰/۱۳	۳۳/۱۹	۲۷/۵۴	درصد کل	
۷۰۸	۳۷۱	۳۳۷	تعداد	جمع
	۱۰۰	۱۰۰	درصد ستونی	
۱۰۰	۵۲/۴	۴۷/۶	درصد کل	

جدول ۲: تقسیم تشبیهات بر حسب حسی یا عقلی بودن طرفین تشبیه

جمع	دفتر دوم	دفتر اول	تقسیم تشبیه‌ها	
			معتقول به	معتقول
۲۵	۹	۱۶	تعداد	معتقول به
۱۰۰	۳۶/۰۰	۶۴/۰۰	درصد سطری	معتقول
	۲/۴۳	۴/۷۵	درصد ستونی	
۳/۵۳	۱/۲۷	۲/۲۶	درصد کل	
۳۹۳	۱۹۶	۱۹۷	تعداد	معتقول به
۱۰۰	۴۹/۸۷	۵۰/۱۳	درصد سطری	محسوس
	۵۲/۸۳	۵۸/۴۶	درصد ستونی	
۵۵/۵۱	۲۷/۶۸	۲۷/۸۲	درصد کل	
۲۶۲	۱۵۱	۱۱۱	تعداد	محسوس به
۱۰۰	۵۷/۶۳	۴۲/۳۷	درصد سطری	محسوس
	۴۰/۷۰	۳۲/۹۴	درصد ستونی	
۳۷/۰۱	۲۱/۳۳	۱۵/۶۷	درصد کل	
۲۸	۱۵	۱۳	تعداد	محسوس به
۱۰۰	۵۳/۵۷	۴۶/۴۳	درصد سطری	معتقول
	۴/۰۴	۳/۸۵	درصد ستونی	
۳/۹۵	۲/۱۱	۱/۸۴	درصد کل	
۷۰۸	۳۷۱	۳۳۷	تعداد	جمع
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	درصد ستونی	
	۴/۵۲	۴۷/۶	درصد کل	

جدول ۳: تقسیم تشبیهات بر حسب نوع مشبه یا مشبه‌به آنها

درصد	تعداد	تقسیم تشبیهات
۱/۵۵	۱۱	تشبیهات دارای مشبه یا مشبه‌به قرآنی
۰/۸۵	۶	تشبیهات دارای مشبه یا مشبه‌به عرفانی
۴/۲۴	۳۰	تشبیهات دارای مشبه‌به تکراری
۱۴/۲۷	۱۰۱	تشبیهات دارای مشبه‌به متعدد
۷۹/۰۹	۵۶۰	سایر تشبیهات
۱۰۰	۷۰۸	جمع

جدول ۴: تشبیهات تکراری مورد مشاهده در دو دفتر

تعداد	عنوان	تعداد	عنوان
۲	باغ دل	۴	بحر معنی
۲	پیغمبر به مردمک چشم	۲	شمع جان
۲	دانش و علم به قطره	۲	اولیاء حق به پروانه
۴	دریای جود	۲	دلیل به عصا

۴	آب رحمت	۲	دریای کرم
۳	جهان ماده به زندان	۲	باران عطا
۴	دل به آینه	۲	ناموس (شهرت) به زنجیر آهنین
۳	تیغ علم	۲	شهوته به آتش
۳	جان و روح به عیسی	۲	حرص و آز به باد
۳	جان به بحر	۲	سخن به شکر
۲	حرص به کوه	۳	خشم به آتش
۲	دل به کوه	۲	گردن به دوک
۲	دل به حوض	۲	دل به سنگ
۲	عالم غیب به باغ	۲	عقل به دریا
۲	نفس به دزد	۲	نفس به موش

جدول ۵: تشبیهاتی که مشبّه به آنها متعدد است

عنوان	تعداد	عنوان	تعداد	عنوان	تعداد	عنوان	تعداد
حلم	۴	خشم	۵	حرص و آز	۶	شهوته	۸
اجل، مرگ	۴	مردن	۲	نفس	۱۷	جان	۲۲
تن	۱۶	عطا	۳	دنیا	۶	عمر	۴
عقل	۱۱	اندیشه	۶	مکر	۴	کرم	۳
دل	۱۵	روح	۳	عشق	۴	چشم	۵
نی	۳	عاشق	۲	فنا	۳	پیر	۲
اولیای حق	۲۵	شیخ	۳	دشمنان مدعی اولیای حق	۳	کافر	۳
سخن	۸	عالم غیب	۳	انسان	۱۴	لذت انعام (نعمت هستی)	۳
مصطفی، احمد، حضرت رسول	۵	ستم	۳	آتش	۴	سبب	۲
مرد و زن	۳	علم	۱۱	گفته‌های رنگ‌رنگ	۲	قهر	۲
قضا	۴	ابر	۲	زبان	۳	هجر	۲
غم	۲	غفلت	۳	چنگ	۲	جود	۲
امید	۳	درویش نان	۲	کاف و نون کن	۲	قالب	۲
تقوی	۴	علم‌های اهل حس	۲	حکمت	۴	نکته‌های دقیق و معنوی	۲
آشنایی معرفت	۲	اصحاب پیامبر	۲	صحابی بیماری که رسول به عیادت او رفت	۳	رحمت	۷
لطف	۶	حضرت علی	۵	وصال، وصل	۲	حکم، قضا، حکم الهی	۲

۱۱	ابلیس، شیطان	۲	انبیاء	۲	صبر	۲	جفا
۵	حس	۳	بدن	۲	نیستی	۳	دانش
۳	قدرت، زور، قوت	۲	جوانی	۸	بانگ آب	۲	باطن
۲	وحدت، وحدانیت خداوند	۲	عارف حق	۴	خلق، خلایق	۲	خوی بد
۲	ماه	۳	خورشید	۳	هدهد	۲	جهل
۲	آفتاب	۵	عاشق شوریده	۲	انسان طالب	۲	دین
۲	عهد	۲	نور	۴	فلک	۲	نفس پرست دنیا طلب
۴	صورت	۴	مال	۲	حضرت آدم	۴	معنی
		۵	فکر	۲	حاجت	۲	ناطقه، نطق

جدول ۶: تقسیم تشبیهات براساس عناصر بکار رفته در مشبّه‌به آنها

درصد	تعداد	تقسیم تشبیهات
۲۷/۲۲	۱۰۱	پدیده‌های طبیعی
۲۴/۲۶	۹۰	مصنوعات انسان
۱۵/۰۹	۵۶	انسان، متعلقات و ملزومات احوال او
۱۰/۷۸	۴۰	حیوانات و متعلقات آنها
۸/۶۳	۳۲	بنا و متعلقات بنا
۵/۹۳	۲۲	امور عقلی - وهمی
۳/۷۷	۱۴	عناصر دینی و اساطیری
۲/۷۰	۱۰	عناصر فرهنگی و اساطیری
۱/۶۲	۶	شخصیت‌های دینی و تاریخی
۱۰۰	۳۷۱	جمع

نتیجه :

- ۱- تجزیه و تحلیل، دسته‌بندی ساختارها و عناصر بکار رفته در تشبیهات مثنوی مولانا معرف و ویژگیهای خاص زبان و سبک تعلیمی این شاعر برجسته در این منظومه ارزشمند است.
- ۲- تقسیم تشبیه برحسب فشردگی یا گستردگی ساختار آن: در این تقسیم‌بندی اضافه تشبیهی مصداق تشبیه فشرده شناخته شد و هر تشبیهی خارج از قلمرو این ساختار، تشبیه گسترده نام گرفت.
- ۳- در تشبیه فشرده، همیشه ادات محذوف است و به جهت حذف وجه شبه و ادات تشبیه، از تشبیه گسترده بلوغ‌تر و جنبه تأکیدی آن افزونتر است.
- ۴- با اینکه حذف وجه شبه در تشبیهات مثنوی قاعده ثابتی ندارد و گاه ذکر میشود، اما غلبه با نوع اول است که امتیاز آن، بکار گرفتن قدرت تخیل ذهن مخاطب برای کشف رابطه طرفین تشبیه است.
- ۵- در تشبیهات فشرده، نقش نحوی طرفین تشبیه یکی میشود اما در تشبیه گسترده، مشبه و مشبه‌به هر یک نقش نحوی مستقلی ایفا میکنند.
- ۶- در تقسیم‌بندی تشبیهات بر حسب حسی و عقلی بودن طرفین تشبیه، چهار نوع قابل تشخیص است که بر حسب بسامد کاربرد به ترتیب عبارتند از: معقول به محسوس، محسوس به محسوس، محسوس به معقول و معقول به معقول. از آنجا که قصد مولانا تفهیم و تقریب مفاهیم متعالی و امر قدسی به ذهن خواننده بود، لذا بیشترین توجه او به کاربرد تشبیه معقول به محسوس است.
- ۷- با در نظر گرفتن نوع مشبه یا مشبه‌به بکار رفته در تشبیه، پنج دسته تشبیه قابل تشخیص است: ۱. تشبیهی که هریک از طرفین تشبیه کلمه یا بخشی از یک آیه قرآن است. ۲. هریک از طرفین تشبیه یک اصطلاح عرفانی است. ۳. تشبیهاتی که مشبه‌به آنها تکراری است با الفاظ متفاوت. ۴. یک مشبه با مشبه‌به‌های متعدد. ۵. سایر تشبیهات که بیرون از قلمرو چهار مورد مذکور هستند.
- ۸- براساس عناصر بکار رفته در مشبه‌به، نه دسته تشبیه قابل تشخیص است. از مقایسه بسامد این نه دسته میتوان چنین استنباط نمود که پدیده‌های طبیعی بیشترین کاربرد و شخصیت‌های دینی و تاریخی از کمترین بسامد برخوردارند.

پی‌نوشت :

(۱) نیز نک. شفیع کدکنی، صور خیال در شعر فارسی، ناشر مؤسسه انتشارات آگاه، چاپ ششم پاییز ۱۳۷۵، صفحات ۷۲ - ۷۳ برای تعاریف مختلف تشبیه نک. به Abrams ، Literary of Terms. Simile. محمد خلیل رجایی، معالم البلاغه در علم معانی، بیان و بدیع، انتشارات مرکز نشر دانشگاه شیراز، ص. ۲۴۴ محمد بن عمر رادویانی، ترجمان البلاغه، با فاکسیمیل نسخه منحصر به فرد کتاب مورخه ۵۰۷ ه. به اهتمام، تصحیح و حواشی و توضیحات احمد آتش، استانبول چاپخانه ابراهیم خروس، سنه ۱۹۴۹، نشریات معهد الشرقی لکلی ۳/۴ الآداب بجامع ۳/۴ الاستانبولی ۳/۴، ص. ۴۴ رشید الدین محمد عقیق کاتب بلخی معروف به وطواط متوفی ۵۷۳، حدایق السحر فی دقایق الشعر، مقارن مئه ششم ه. تالیف شده به انضمام مقدمه حواشی سه فهرست به تصحیح و اهتمام عباس اقبال. ص. ۴۲ و المعجم فی معانی اشعار العجم تالیف شمس الدین محمد بن غیث رازی در اوایل قرن هفتم ه. به تصحیح علامه فقید مرحوم محمد بن عبد الوهاب قزوینی، با مقابله با ۶ نسخه خطی قدیمی و تصحیح مدرس رضوی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۳۵، ص. ۳۳۸ ۳۳۹ .

فهرست منابع :

- ۱- ارسطو، فن شعر (۱۳۶۹)، ترجمه عبدالحسین زرین‌کوب، چاپ دوم، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- ۲- رجایی، محمد خلیل (۱۳۶۸)، معالم البلاغه، چاپ سوم، تهران: انتشارات علمی و سخن.
- ۳- زمانی، کریم (۱۳۷۲-۷۸)، شرح جامع مثنوی معنوی، ۶ جلد، تهران: انتشارات اطلاعات.
- ۴- شفیع کدکنی، محمد رضا (۱۳۷۵)، صور خیال در شعر فارسی، چاپ ششم، تهران: انتشارات آگاه.
- ۵- کروچه، بندتو (۱۳۴۴)، کلیات زیبایی‌شناسی، ترجمه فؤاد روحانی، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران.
- ۶- مولوی، جلال الدین محمد (۱۳۶۹)، مثنوی معنوی، تصحیح رینولد ا. نیکلسون، ۳ جلد، چاپ هفتم، تهران: انتشارات مولی.
- ۷- میرصادقی، میمنت (۱۳۷۳)، واژه‌نامه هنر شاعری، تهران: انتشارات کتاب مهناز.

Archive of SID